ادامه از صفحه اول

قالیباف و بافت فرسوده تهران

نکته مهم دیگر اینکه جمعیت در این بافت‌ها به شدت متراکم است. یعنی علی‌رغم دسترسی محدود به خدمات شهری، جمعیت بیشتری نسبت به سایر بافت‌های شهری در این بافت‌ها زندگی می‌کنند. در حالی که متوسط تراکم جمعیت در سایر بافت‌های تهران ۱۳۱متر در هکتار است؛ در بافت‌های فرسوده این رقم به ۳۷۰نفر در هکتار افزایش می‌یابد. تقریبا سه‌برابر جمعیت در سایر بافت‌های شهری، در این بافت‌ها زندگی می‌کنند. در این بافت‌ها، ۶۱۷۸۶، واحد مسکونی مستقر است. در طول سال‌های ۸۷ تا ۸۹ در محدوده بافت‌های فرسوده ۵۸هزارو۶۵۳فقره پروانه ساختمان صادر شد که به ترتیب مناطق ۱۰، ۱۱ و ۱۲ بیشترین آمار را به خود اختصاص داده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که جهت‌گیری شهرداری در نوسازی بافت‌ها ناظر به افزایش طبقات و تراکم ساختمانی در این بافت‌ها بوده است و این امر نه‌تنها مشکلات را حل کرده بلکه موجب تشدید مسایل نیز شده است. از آنجا که بافت‌های فرسوده، پهنه‌های فضایی هستند که با مسایل و مشکلات بی‌شمار در دسترسی به فضاهای خدماتی مواجهند، می‌باید رویکرد شهرداری در نوسازی این بافت‌ها تغییر کند. به این معنا که رویکرد نوسازی از نوسازی تک‌بنا و کالبد به نوسازی پهنه‌ها و فضاهای شهری تغییر یابد. به این ترتیب با نوسازی سازمان، فضای محلات مذکور؛ احیای بافت‌های فرسوده به گونه‌ای انجام می‌شود که دسترسی شهروندان مستقر در این بافت‌ها به خدمات شهری امکان‌پذیر خواهد شد. نکته دوم درخصوص احیای بافت‌های فرسوده با روند کند نوسازی است. مطابق حکم برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه کشور ظرف ۱۰سال این بافت‌ها می‌باید نوسازی شود. در حال حاضر که بیش از هشت‌سال از آغاز برنامه چهارم می‌گذرد، همچنان کمتر از ۱۰درصد این بافت‌ها در روند نوسازی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین مقتضی است شهردار جدید تهران یکی از اولویت‌های برنامه‌ای خود را نوسازی این بافت‌ها با تسریع روند قرار دهد. نکته سوم؛ حضور کمرنگ بخش خصوصی در سرمایه‌گذاری برای نوسازی بافت‌هاست که این امر هم در تجدیدنظر برنامه‌های شهرداری باید مطمح‌نظر قرار گیرد اگر بخواهیم در نوسازی بافت‌های فرسوده سه رویکرد اساسی را در نظر گیریم، این رویکردها عبارتند از؛ اولا تغییر برنامه نوسازی بافت‌های فرسوده شهر، از نوسازی کالبدی به نوسازی فضایی – کالبدی، ثانیا جلب مشارکت بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در بافت‌های فرسوده و ثالثا سرعت‌بخشیدن به روند نوسازی، به گونه‌ای که حداقل تا پایان برنامه پنج‌ساله ششم کشور، اثری از بافت‌های کهنه و فرسوده در شهرهای کشور و از جمله تهران باقی نماند.

مسجدجامعی رییس شورای شهر:

شهرداری می‌خواهیم که نخواهد رییس‌جمهور شود

شرق، فاطمه جمال‌پور: امروز نبض کلانشهر تهران در خیابان بهشت می‌زند. خبرها همه از انتخاب شهردار تهران در پشت درهای بسته شورای شهر حکایت می‌کند. هرچند قول و قرارهای قبلی اعضای شورای شهر تهران در جلسات غیرعلنی حکایت از رای‌گیری اولیه، انتخاب دو گزینه، دریافت برنامه و رای‌گیری نهایی داشت اما باقی‌ماندن تنها دو گزینه در کورس رقابت‌ها قول‌وقرارهای قبلی را به هم ریخت. حالا اصولگرایان تعجیل بسیاری بر رای‌گیری و اصلاح‌طلب‌ها اصرار بر ارایه برنامه از سوی نامزدها در صحن شورا دارند، اصرارهایی که حکایت از پایبندی بیشتر اصلاح‌طلب‌ها بر برنامه‌ریزی دارد. محسن هاشمی و قالیباف

محسن هاشمی

محمدباقر قالیباف

دو گزینه نهایی هستند؛ اولی نامزد اصلاح‌طلب‌ها و دیگری اصولگرایان. اصولگرایان که قافیه ریاست شورا را باخته‌اند این روزها قصد کوتاه‌آمدن از مسند شهرداری را ندارند حتی با انتشار برخی خبرهای غیرواقعی. خبرگزاری فارس، از دیدار آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی با یکی از اعضای شورای شهر و رفتن به خانه و برای کمک به پسرش دارد؛ خبری که محسن هاشمی در گفت‌وگو با «شرق» به‌شدت آن را تکذیب کرد. از سوی دیگر برخی سایت‌های اصولگرا از رای «الهه راستگو» به «چمران» در جلسه انتخاب رییس شورای شهر و جلب آرای احمد دنیامالی، ساعی و جدیدی برای انتخاب شهردار خبر می‌دهند. اخباری که اردوگاه اصلاح‌طلب‌ها آنها را تکذیب می‌کند. «احمد مسجدجامعی» رییس شورای شهر در بازدید از روزنامه «ایران» در پاسخ به این سوال که سایه سنگین سیاست را با چه ترفندی از سر شورای شهر برخواهید داشت، پاسخ داد: در نخستین قدم، می‌خواهیم کسی را برای سمت شهردار انتخاب کنیم که دلش نخواهد رییس‌جمهور شود. مسجدجامعی با بیان اینکه اگر شورای شهر با انتخاب شهردار با این معیار نخستین قدم را درست بردارد، اقدام اساسی را انجام داده است و به نظر من بقیه راه را هم می‌توان کنترل کرد تا شورای شهر سیاسی نشود و به‌کار مدیریت شهر بپردازد، چون اگر شخص شهردار در خیال و آرزوی رییس‌جمهورشدن باشد، شورای شهر را نیز دنبال خود می‌کشاند و سیاسی می‌کند. «غلامرضا انصاری»، عضو اصلاح‌طلب شورای چهارم در گفت‌وگو با «شرق» با تاکید بر ارایه برنامه نامزدهای شورا در صحن شورا گفت: «شهردار تهران باید برنامه‌محور باشد» گفت: «ارایه برنامه در صحن شورا به افراد شورا دید می‌دهد، افکار عمومی را توجیه می‌کند و به رصدشدن شهردار تا پایان عمر کاری او کمک می‌کند. به این خاطر ارایه برنامه پیش از رای‌گیری از دید ما ضروری است.» وی در پاسخ به شایعه‌پراکنی‌های سایت‌ها و خبرگزاری‌های اصولگرا در مورد ریزش رای اصلاح‌طلبان و تهدیدها گفت: «اصلاح‌طلبان به تشکیلات سازمانی خود پایبند هستند. باید از تجربه تلخ هشت‌سال گذشته درس بگیریم. دوران یک‌صدایی، بستن دهان مخالفان و شعارهای توخالی به سرآمده است. رای اصلاح‌طلب‌ها به طلایی اصولگرا حکایت از قصد اصلاح‌طلب‌ها برای تعامل دارد.» انصاری ادامه داد: این جنگ روانی نه نتیجه‌ای برای خودشان دارد و نه طرف مقابلشان و تنها مخالفانشان را منسجم‌تر می‌کند. همین‌ها پیش از این اعلام می‌کردند که چمران با ۲۰ رای، رییس شورای شهر می‌شود. اما اینچنین نشد و اتفاقی مطابق با خواست مردم رخ داد. مردم به‌دنبال تغییر هستند و ما به کسانی که به ما رای دادند وفادار هستیم و شعار تغییر مردم را درک کرده‌ایم. وی در پاسخ به این سوال «شرق» مبنی بر خبرها و شایعات سایت‌های اصولگرا درباره تغییر آرای ورزشکاران شورا به نفع قالیباف گفت: «قطعا ورزشکاران هم تصمیم خود را پیش گرفته‌اند و چه امروز و چه روزهای دیگر براساس تکلیف رای می‌دهند.» فارغ از تمام شایعه‌پراکنی‌ها، تصمیم قاطع اعضای اصلاح‌طلب شورای شهر پیش از این و در جلسات کارشناسی با ساماندهی شورای هماهنگی جبهه اصلاحات گرفته شده است. حال باید دید در جلسه امروز تلاش‌های اصلاح‌طلبان برای تغییر مدیریت شهری تهران به بار می‌نشیند یا خیر؟

در پی عدم پرداخت ماهانه ۵۰۰هزار تومان

ساعت «شمس‌العماره» از کار افتاد

شرق، صدرا محقق: ساعت بنای شمس‌العماره که چندی پیش تعمیر و راه‌اندازی شد دوباره و به دلیل عدم پرداخت حق‌الزحمه ماهانه ۵۰۰هزار تومانی بابت سرویس و نگهداری ساعت از سوی مسوولان کاخ گلستان از کار افتاد. این ساعت که بر بلندای برج میانی عمارت شمس‌العماره واقع است هدیه ملکه ویکتوریا به ناصرالدین‌شاه قاجار بود. با این حال برای بیش از ۸۰سال ساعت تاریخی قرار گرفته بر پیشانی این بنا از کار افتاده بود تا اینکه در سال ۱۳۸۹ و بنا بر پیشنهاد «محمد ساعتچی همدانی» مرمتگر پیشکسوت ساعت در ایران، در پروسه‌ای طولانی که ۱۸ماه به طول انجامید این ساعت تعمیر شد و دوباره عقربه‌هایش شروع به چرخیدن کرد. با این حال آنگونه که ساعتچی به «شرق» گفته ۱۰روز است این ساعت به دلیل عدم پرداخت حق‌الزحمه مرمت و نگهداری دوباره از کار افتاده است.

محمدساعتچی همدانی در ادامه می‌گوید: «ماجرای از کار افتادن ساعت تاریخی شمس‌العماره به خود سازمان میراث فرهنگی و مسوولان کاخ گلستان مربوط است، روزی که قرار شد من این ساعت را تعمیر کنم به مسوولان گفتم که ساعت تاریخی مثل این، به نگهداری و مراقبت دایم نیاز دارد، به‌عنوان مثال چهارروز یک‌بار کوک و ۱۵روز یک‌بار روغن‌کاری کامل، دوماه یک‌بار شستشو و هر شش‌ماه یک‌بار بازوبسته کردن کامل نیاز دارد که فرآیندی به شدت طاقت‌فرساست، علاوه بر این برای رسیدن به موتور این ساعت باید ۱۲۰ پله را طی کرد تا به آن رسید. به همین دلیل هم من فردی را به صورت کامل آموزش دادم که این کار را انجام دهد و قرار بود کاخ گلستان برای انجام‌دادن این کار به صورت ماهانه به او حقوق دهد. با این حال در مدت ۱۰ماهی که از آغاز به کار این ساعت می‌گذرد این فرد به صورت کامل کار خودش را انجام داد و ساعت هم دقیق کار می‌کرد با این همه تاکنون حتی یک‌ریال هم به او حق‌الزحمه داده نشد.» ساعتچی در ادامه گفت‌وگو با «شرق» می‌افزاید: «من به مسوولان این کاخ گفته‌ام ارزش این ساعت بیشتر از چندمیلیاردتومان است این به غیر از ارزش تاریخی آن است که با هیچ‌چیزی قابل اندازه‌گیری نیست، اما حق‌الزحمه کسی که این ساعت را سرویس می‌کند در نهایت ماهی ۵۰۰ تا ۶۰۰هزارتومان است اما آنها به دلیل ندادن این حق‌الزحمه باعث شده‌اند این ساعت تاریخی و با ارزش از کار بیفتد. جالب اینکه غیراز این فرد هیچ‌کس دیگری در ایران نیست که بتواند کار سرویس این ساعت یا ساعت‌های تاریخی مشابه آن را انجام دهد، من از دست این مسوولان عصبانی هستم آنها به من گفته‌اند نمی‌توانیم پول این کار را بدهیم. به نظر من حیف است ساعتی با این میزان ارزش و اهمیت که من برای ساخت و راه‌اندازی دوباره آن به همراه همین شاگردم حداقل ۱۸ماه روی آن کار کرده‌ایم به دلیل عجیب بی‌پولی دوباره از کار بیفتد.» البته آنگونه که ساعتچی به «شرق» گفت روز گذشته دوباره کار سرویس‌دهی به ساعت تاریخی شمس‌العماره با پادرمیانی و خواهش او انجام شد اما فردی که این کار را انجام می‌دهد گفته است اگر حق‌الزحمه ۱۰ ماه گذشته را ندهند دوباره از انجام این کار سر باز خواهد زد. برای پیگیری نظر مسوولان این کاخ در این‌باره سراغ شماره تلفن‌های این مجموعه می‌رویم اما هیچ مسوولی در این کاخ موزه، پاسخگو نیست و در نهایت تلاش‌های چندباره برای یافت پاسخ ما را به یکی از نیروهای کاخ موزه گلستان می‌رساند. او البته از کار افتادن ساعت را تایید نمی‌کند و می‌گوید همه چیز عادی است. با این حال عقربه‌های این ساعت ۱۰ روزی است که خشکشان زده و از جا جم نمی‌خورند. خبری که سازنده اصلی ساعت هم آن را تایید می‌کند. ساعت شمس‌العماره یکی از جذابیت‌های تاریخی مجموعه کاخ موزه گلستان است، این کاخ موزه چندی پیش و در تیرماه گذشته به‌عنوان شانزدهمین اثر تاریخی ایرانی در فهرست یونسکو به ثبت رسید و جهانی شد. اگرچه مسوولان

دولت دهم جشن ثبت جهانی این اثر را در آخرین روزهای کاری خود برگزار کردند و بلندپایه‌ترین مقامات کشور از جمله رییس‌جمهور وقت محمود احمدی‌نژاد هم در این جشن شرکت کردند اما آنطور که شواهد نشان می‌دهد و بسیاری از کارشناسان منتقد این دولت هم می‌گفتند سازمان میراث فرهنگی در دولت‌های نهم و دهم بیشتر از هر چیز فقط به بالابردن آمارها توجه می‌کردند و در قبال انجام وظایف اصلی خود برای محافظت از آثار تاریخی اهمیت چندانی نمی‌دادند. ماجرای عدم پرداخت حق‌الزحمه سرویس‌کار ساعت تاریخی شمس‌العماره را نیز باید از همین منظر نگاه کرد. چراکه مسوولان سازمان میراث و کاخ موزه گلستان در دولت قبل که البته هنوز برخی از آنها در سمت‌های خود قرار دارند برای راه‌اندازی این ساعت تبلیغات گسترده‌ای انجام داده بودند. اما آنگونه که سازنده این ساعت می‌گوید خبری از پرداخت مبالغ لازم برای نگهداری این ساعت نیست و به همین دلیل این اثر تاریخی دوباره از کار افتاده است. بلندترین قسمت این ساختمان - از کف - ۳۵متر ارتفاع دارد و گفته می‌شود آن روزها که تهران زیر صدای گوشخراش اگزوز موتوسیکلت‌ها و ماشین‌ها و اتوبوس‌ها غرق نشده بود صدای ناقوس زنگ ساعتش از کیلومترها دورتر شنیده می‌شد، این صدا به‌قدری بلند بود که اهالی کاخ از دستش به تنگ آمده بودند. شایعه است به دلیل همین صدای بلند و نبود استاد ساعت‌ساز در شهر به دستور پادشاه، عده‌ای مامور می‌شوند که صدای ساعت را کم کنند اما نتیجه دستکاری‌شان می‌شود از کار افتادن تنها ساعت عمومی پایتخت. در نهایت تلاش‌های استاد محمد ساعتچی‌همدانی برای تعمیر یادگاری ملکه بریتانیا به پادشاه قاجار نتیجه می‌دهد و این ساعت دوباره شروع به کار کردن می‌کند. اگرچه این‌بار صدای ناقوسش حتی در زیر پای بنای شمس‌العماره هم به‌سختی به گوش می‌رسد اما هرچه بود عقربه‌های ساعت دقیق می‌چرخید.

نگاه

تفاوت مدیریت شهری ۲ نامزد

اسماعیل ابراهیمی

این روزها شهر تهران چشم انتظار پایان رقابتی است که برونداد آن می‌تواند الگوی مدیریتی کاملا متفاوتی را برای آینده این شهر رقم بزند. رقابت بین دو گزینه نهایی تصدی سمت شهرداری، که در پشت هر یک اندیشه حاکم بر طیف خاصی از مولیان عرصه سیاسی کشور مشهود می‌باشد، به اوج حساسیت خود رسیده است. پاسخ به این سوال که «این حساسیت از کجا نشات می‌گیرد؟» می‌تواند کلید تحلیل صحیح مساله باشد. شهرداری تهران سمتی کلیدی است، نه صرفا به این دلیل که تهران با هر متر و مقیاس بین‌المللی، یک کلانشهر است که نحوه مدیریت آن می‌تواند یک «بیلبورد» جهانی برای نشان‌دادن میزان توسعه‌یافتگی در کل کشور باشد، و نه صرفا به این دلیل که میزان انباشت سرمایه‌ای که در این شهر در حیطه اقتدار مدیر آن قرار می‌گیرد، در صورت اداره صحیح می‌تواند اثرات پایدار و وجوه مثبت فراوانی را برای مردمی که در آن روزگار می‌گذرانند به ارمغان بیاورد. حتی از این منظر هم که انتخاب محمدباقر قالیباف، می‌تواند برای جریان اصولگرای کشور فرصتی برای حضور پررنگ‌تر در عرصه اجرایی باشد، یا انتخاب محسن هاشمی منجر به روانکاری و هماهنگی بین دولتی که شاکله اصلی آن را اصلاح‌طلبان و اعتدالگرایان تشکیل می‌دهند با مدیریت شهری خواهد شد، نمی‌توان اهمیت موضوع را واکاوی کرد. عواملی که ذکر آن رفت هر یک به نوبه خود موجب تشدید اهمیت انتخاب شهردار شده‌اند اما پاسخ صحیح به پرسش آغازین را در جای دیگری باید جست. حقیقت غیرقابل انکار این است که هر کس پشت میز شهرداری تهران بنشیند، دایره اعمال سلیقه‌ای باز خواهد داشت؟ مشکل اصلی از همین‌جا آغاز می‌شود. الگوی مدیریتی شهر تهران حول محوری فردی تعریف شده است و طی سالیان گذشته هیچ‌کدام از شهردارانی که زمام امور را در دست داشته‌اند نسبت به کاهش اختیارات خود و تبدیل این عملکرد از «شخص‌محور» به «برنامه‌محور» علاقه نشان نداده‌اند یا بنا بر دلایلی توفیق این کار را نیافته‌اند. توسعه پایدار شهری، برنامه پایدار و نقشه جامع می‌طلبد. مفاهیمی مانند حکمرانی خوب شهری یا «به زمامداری شهری» نمی‌تواند و نباید قائم به شخص باشند. تهران به علت این مدل حکومتی فرسوده‌ای که با آن اداره می‌شود، صرفا مبتنی بر خواست و روحیه شهردار خویش در جست‌وجوی سامان امر عمومی بوده است و در این راهگاه با تغییر مدیر ارشد شهری، مشی متفاوت یا متضادی را تجربه کرده است. حال این سوال پیش‌روی ماست که کدام‌یک از دو گزینه تصدی شهرداری تهران می‌توانند این رویه ناصواب را دگرگون کرده و بنای پایدارتری را پی‌ریزی کنند؟ به چند دلیل به نظر می‌رسد که محمدباقر قالیباف گزینه اصلحی برای این اصلاح نباشد. اول آنکه وی زمان کافی در اختیار داشته است تا در صورت وجود گرایش به تغییری اینچنینی، آن را بروز دهد. این اتفاق در طول دوران زمامداری وی بنا به هر دلیلی رخ نداد. بررسی کلان کارنامه مدیریتی وی سرنخی از تلاش برای رسیدن به چنین چشم‌اندازی را به دست نمی‌دهد. دوم آنکه قالیباف را اساسا باید یک عملگرا به شمار آورد، درست برخلاف رقیبش که در برنامه‌ای که به شورا ارایه کرد، تمایلش به عملکرد سازمانی مشهود است. قالیباف همواره نشان داده است که ترجیح می‌دهد یک مدیر «کاریزماتیک» باشد و واضح است که این الگوی مدیریتی نمی‌تواند شالوده ساختاری که ذکر آن رفت، قرار گیرد. سومین و آخرین ملاحظه در این‌باره این است که در یک نظام مدیریتی مردم‌مدار، تناوب و چرخش قدرت جایگاه ویژه‌ای را داراست. این امر نه‌تنها به این دلیل است که از فساد و خودرایی متصدیان امر جلوگیری می‌کند، بلکه حاوی این پیام است که در یک ساختار سالم، جابه‌جایی قدرت منجر به اصلاح سیستم شده و از وابستگی نامعقول آن به روحیات یک یا چند مدیر خاص جلوگیری می‌کند. انتخاب دوباره قالیباف به‌عنوان شهردار، می‌تواند ناقض این اصول باشد. با نظری اجمالی به آنچه ذکر آن رفت، امید است که شورای شهر در انتخاب شهردار جدید مسایل اینچنینی را که اثراتی پایدار در جغرافیای زیستی این کلانشهر خواهد داشت، منظور نظر قرار دهند تا در بلندمدت ثمرات آن را به تماشابنشینیم.

خبر

دانشگاه علامه بیانیه داد

انتقاد از فضاسازی غیراخلاقی علیه استادان

● **شرق:** دانشگاه علامه‌طباطبایی با صدور بیانیه‌ای درباره اتهاماتی که در روزهای اخیر به اعضای هیات‌علمی این دانشگاه وارد شده است، پاسخ داد. این بیانیه در حالی است که هفته گذشته رییس سابق دانشگاه علامه‌طباطبایی در گفت‌وگویی با روزنامه «کیهان»، اتهامات متعددی را به استادان بازنشسته دانشگاه علامه‌طباطبایی وارد کرد. روابط‌عمومی دانشگاه علامه‌طباطبایی، در این بیانیه آورده است: «استادان، اعضای هیات‌علمی و کارکنان دانشگاه‌های کشور از جمله فرهیخته‌ترین و منزه‌ترین قشرهای این جامعه هستند و چنانچه نظرسنجی‌های علمی نشان می‌دهد، دانشگاهیان از معتمدترین گروه‌های مرجع در جامعه هستند. در این میان استادان و کارکنان دانشگاه علامه‌طباطبایی جایگاه ویژه‌ای دارند. در چند دهه گذشته اعضای هیات‌علمی و دانشجویان این دانشگاه از چهره‌های برجسته حوزه علم و فرهنگ و اخلاق بوده‌اند و هزاران انسان فرهیخته که هم‌اکنون مناصب کلیدی علمی و اجرایی کشور را برعهده دارند، در همین محیط پاک علمی پرورش یافته‌اند. دانشگاهیان دانشگاه علامه بی‌گمان از اخلاقی‌ترین، پاکدامن‌ترین، متدین‌ترین و دانشمندترین گروه‌های اجتماعی در جامعه ایران بوده‌اند، از این‌رو بسیاری از مباحث نادرست و فضاسازی‌های غیراخلاقی و بی‌پشتوانه در مورد اعضای هیات علمی این دانشگاه نباید موجب خدشه‌دارشدن چهره گروهی از برجسته‌ترین شخصیت‌های علمی، فرهنگی و دینی کشور شود.» روابط‌عمومی دانشگاه همچنین تاکید کرده است: «فضای اخلاقی- اسلامی جاری در این دانشگاه محدود به چند سال گذشته نیست و این دانشگاه همواره از کانون‌های اصلی علم و دین و اخلاق بوده است. در نتیجه نباید به دلیل ادعاهای اثبات‌نشده در مورد سه یا چهارنفر از دانشگاهیان و برجسته و تکرار کردن آن، اعتبار و حیثیت حدود ۵۰۰نفر از اعضای محترم هیات علمی، بیش از ۸۰۰نفر کارمند و نزدیک ۲۰هزار دانشجو و هزاران دانش‌آموخته و همکار علمی این دانشگاه در سال‌های گذشته را به بازی گرفت.» روابط‌عمومی دانشگاه علامه‌طباطبایی در پایان این بیانیه تاکید کرده است: «تقاضای جدی استادان، کارکنان، دانشجویان و مدیریت دانشگاه علامه‌طباطبایی در فضای تحولات کنونی، از اهالی رسانه‌ها و فعالان محترم سیاسی در یک جمله خلاصه می‌شود که حرمت دانشگاهیان فرهیخته را پاس دارید.»

سخنان شریعتی درباره استادان دانشگاه

اگرچه روابط‌عمومی دانشگاه علامه‌طباطبایی در بیانیه خود اشاره‌ای به گفت‌وگوی شریعتی رییس سابق دانشگاه علامه نداشته است، اما بخش‌هایی از گفت‌وگوی وی با کیهان حاوی اظهارنظرهایی است که به‌طور مستقیم شأن استادان دانشگاه علامه‌طباطبایی و استادان بازنشسته‌شده را به کلی زیر سوال می‌برد چرا که شریعتی در گفت‌وگو با کیهان بدون نام بردن از استادان، اتهاماتی را به آنها زده است. او در بخشی از این گفت‌وگو می‌گوید: «یک عده از استادها اخراجی بودند به‌خاطر همین مسایل، سوءرفتار با دختران مردم؛ ما برای حفظ احترام و شأنشان بازنشسته‌شان کردیم. خدا می‌داند چه صحنه‌هایی دارم که اگر بگویم استخوان‌ها می‌ترکد. بعضی‌موقع‌ها ما نمی‌خواهیم اینها را بگوییم. در دلم صحنه‌هایی هست شرعا حق گفتن ندارم!» او می‌افزاید: «متاسفانه برخی به‌راحتی دروغ می‌گویند. طرف در اتاق کارش به یکی از دانشجویان تعرض کرده، هم‌اتاقی‌اش وارد شده و آنها را در آن وضع دیده است و به ما هم گزارش کرده‌اند؛ آن‌وقت می‌رود خارج از دانشگاه می‌گوید چون ما در انتخابات به فلان شخص رای دادیم، شریعتی ما را اخراج کرد. سمت‌های مختلف از رییس دانشکده تا معاون دانشگاه هم داشته است. ده‌ها زنگ از این طرف و آن طرف به من می‌زنند که آقای شریعتی این زن و بچه‌اش گناه دارند بازنشسته‌اش کنید. چه‌کار کنم؟ بیایم نامش را ببرم و بگویم به این دلیل بازنشسته شده و این هم اسنادش! استاد دیگری با الفاظ نامناسب دانشجوی دختر را سر کلاس خطاب قرار می‌دهد. به‌اصطلاح استاد هم هست! فرهیخته!! عالی‌مقام!!! هیات انتظامی آمده و حکم اخراجش را داده است، دستپاچه شد و به من درخواست بازنشستگی داد. طبق قانون باید اخراج می‌شد اما ارفاق کردیم و بازنشسته شد.»

شریعتی: به‌جای اخراج، بازنشسته‌شان کردم

شریعتی، رییس سابق دانشگاه علامه‌طباطبایی در بخش دیگری از اظهارنظرهای خود می‌گوید: «در یکی از همین دانشکده‌های ما استاد با دختر مردم خارج از دانشگاه قرار می‌گذاشت و...؛ سن پدربزرگ دانشجو را داشت! پلیس دستگیرشان کرد و به پلیس گفته بود نوه‌اش است اما بالاخره فهمیدند دروغ می‌گوید. پلیس یک نامه به من داد و نوشته بود که این استاد را در چه حالی با دختر مردم دستگیر کرده... حالا بنده چه‌کار کنم اجازه بدهم باز هم برود سر کلاس و...؟ من این کارها را بلد نیستم. نوشتم ایشان تا اطلاع ثانوی نباید سر کلاس برود. پرونده‌اش را هم فرستادم کمیته انضباطی دانشگاه؛ خانمش آمده بود من را قسم می‌داد که اخراجش نکنم؛ می‌گفت می‌دانم این مرد پست است، این دفعه اولش نیست، چندمین‌بار است که دارد این کار را می‌کند؛ اما دخترم می‌خواهد شوهر کند، خواهش می‌کنم به‌خاطر دخترم او را اخراج نکنید، بازنشسته‌اش کنید. بنده برای رعایت حال این خانواده، به‌جای اخراج ایشان را بازنشسته کردم؛ حالا شما ببینید به‌خاطر همین استاد چقدر پشت‌سر من حرف می‌زنند که شریعتی چنین و چنان می‌کند.» روزنامه «شرق» هم چند وقت پیش چیزی در همین رابطه نوشته بود. بدون اینکه حرف ما را بشنوند، یک‌طرفه به قاضی می‌روند و علیه ما می‌نویسند، شما جای من باشید چه‌کار می‌کنید؟» شریعتی در حالی می‌گوید: «روزنامه «شرق» هم چندوقت پیش چیزی در همین رابطه نوشته بود. بدون اینکه حرف ما را بشنوند، یک‌طرفه به قاضی می‌روند و علیه ما می‌نویسند» که خبرنگار «شرق» بارها برای انعکاس اظهارنظرهای رییس سابق دانشگاه علامه‌طباطبایی با او تماس حاصل کرد که با واکنش‌های شدیداللحن شریعتی مواجه شد و این در حالی است که «شرق» کماکان آمادگی انعکاس اظهارنظرهای رییس سابق دانشگاه علامه‌طباطبایی را دارد.